

## تحلیل کدهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر آینده انقلاب اسلامی

محمدجواد فتحی<sup>۱\*</sup>

مجتبی عبدخدایی<sup>۲</sup>

صارم شیراوند<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** غرب آسیا واجد نوعی از سیستم آنارشیک منطقه‌ای است که غالباً بر اساس قواعد واقع‌گرایانه سیاست و قدرت عمل می‌نماید. سرشت نهفته در این سیستم موجب گردیده که رویدادهای منطقه‌ای، دگرگونی در رفتار بازیگران، بر امنیت و منافع سایر اعضای این زیرسیستم راهبردی تأثیرات جدی بگذارد. موضوعات منطقه‌ای متعددی موجب به‌وجود آمدن دیدگاه تقابلی میان ایران و رقبای منطقه‌ای در خاورمیانه گشته و رسیدن به ثبات و تفاهم در روابط متقابل را سخت نموده است. لذا هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران از یک سو چه تأثیری بر رفتار سیاسی و رقابت با بازیگران رقیب منطقه‌ای در خاورمیانه داشته است و از سوی دیگر این مسئله چه تأثیری بر آینده انقلاب اسلامی ایران برجای می‌گذارد؟

**روش‌شناسی پژوهش:** پژوهش حاضر ضمن استفاده از روش کیفی تحلیل منابع و اسناد کتابخانه‌ای سعی بر این دارد که به شیوه توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری، مسئله پژوهش و ابعاد آن را به منظور یافتن پاسخ مناسب برای پرسش اصلی مورد کنکاش قرار دهد.

**یافته‌ها:** کدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران در غرب آسیا نشانگر مناطق حیاتی منافع این کشور است و به واسطه اهمیت راهبردی که دارند، رقابت این کشور با دولت‌های منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای رقیب و مقابله با تروریسم را به منظور تأمین منافع و امنیت ملی ناگزیر ساخته است. ایران یک کنشگر اصلی در تحولات سوریه، عراق، بحرین و یمن است بررسی روند این بحران‌ها بدون مذاقه و امعان نظر پیرامون چرایی، چگونگی، انگیزه، اهداف، سیاست‌ها و اهرم‌های نقش‌آفرینی ایران میسر نیست.

**نتیجه‌گیری:** در صورت موفقیت دولت‌های رقیب ایران در منطقه (نظیر ترکیه، عربستان سعودی و امارات) و رژیم‌های دشمن (نظیر آمریکا و رژیم صهیونیستی) و مشخصاً برهم خوردن موازنه قدرت علیه ایران در کدهای ژئوپلیتیک عراق، سوریه، بحرین و یمن، آینده انقلاب اسلامی نیز با خطرات قریب و جدی در بعد فرامرزی و متعاقب آن امنیت سرزمینی مواجه خواهد شد. با اینکه در شرایط کنونی ایران از حضور، نفوذ و قدرت چانه‌زنی برجسته‌ای در کدهای ژئوپلیتیک فوق‌الاشاره برخوردار است و اکنون روند تحولات غرب آسیا در جهت مطلوب منافع انقلاب اسلامی است، منتها این مسئله و روند در آینده قطعیت نداشته و ممکن است که در نتیجه وقوع برخی رویدادهای جدید، روندهای نوظهوری در جهت مخالف با منافع ایران و انقلاب اسلامی پدیدار گردد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، منافع ملی، آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی.

**Email:** f.mjavad@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی  
مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد (نویسنده  
مسئول)

**Email:** abdcourse@gmail.com

۲- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

**Email:** Sarem.shiravand.@yahoo.com

۳- دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)  
دانشگاه تهران

## مقدمه

منطقه خاورمیانه همواره شاهد وقوع رقابت‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای فراوانی بوده است؛ منتها در این میان رقابت ایران با رقبای منطقه‌ای همچون عربستان سعودی به دلایل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک و با هم‌پیمانان فرامنطقه‌ای آن همچون امریکا و اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این کشور همواره به دنبال ایفاء نقش فعال و متناسب با موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خود در منطقه بوده است. این رقابت بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بیشتر حائز اهمیت گردید و بعد از سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام رقابت ایران با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با ظهور تروریسم و گروهک‌های تروریستی در عراق و سوریه و سیاست‌های تهاجمی و حمایتی کشورهای همچون عربستان از این گروه‌ها، پیچیده‌تر گردید. در این دوران، ایران و عربستان به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه هستند به گونه‌ای که ایران در لبنان، فلسطین و سوریه، و عربستان در بحرین و یمن نقش فعال دارند. با وقوع تحولات کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱، رقابت‌های ایران با بازیگران منطقه‌ای همچون عربستان، فوق‌العاده حائز اهمیت گردیده چرا که ایران در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و بحرین به موفقیت‌های بسیاری دست پیدا کرده است اما کشوری همچون عربستان سعودی به دلیل عدم ایفای نقش فعال در این مناطق به دنبال تدوین استراتژی‌هایی است تا از نفوذ ایران جلوگیری نماید. علاوه بر این، رقبای منطقه‌ای ایران و در رأس آنها عربستان سعودی در تلاش هستند تا در صحنه تحولات یمن به صورت اثرگذار ظاهر شوند و عربستان در این زمینه در صدد بود تا به هر وسیله قطر را با خود همراه نماید منتها تنش میان عربستان و قطر خسران و انزوای مضاعفی برای ریاض در پی داشته است. نکته دیگر این است که عربستان سعودی علاوه بر صحنه امنیتی-سیاسی در عرصه اقتصادی نیز به دنبال فشار بر ایران است. تلاش برای کاهش قیمت نفت، بیانگر این مسئله است که فشار بر ایران از اولویت‌های مهم سیاست خارجی عربستان به‌شمار می‌رود. مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران از یک سو چه تأثیری بر رفتار سیاسی و رقابت با بازیگران رقیب منطقه‌ای در خاورمیانه داشته است و از سوی دیگر این مسئله چه تأثیری بر آینده انقلاب اسلامی ایران بر جای می‌گذارد؟ درخور توجه است که آینده جاذبه ویژه‌ای دارد که همگان شیفته تفکر پیرامون آن هستند. انسان، به آگاهی از سرنوشت جهان، سمت و سوی حرکت تاریخ بشری، برنامه‌ها و صحنه‌های پیش روی جامعه بشری در آینده، نحوه زندگی در آینده دور یا نزدیک، تحقق یا عدم تحقق وعده‌های ادیان یا مکاتب پیرامون آینده و... تمایل نشان می‌دهد. در واقع شیفتگی به موضوع وقوف بر آینده، شعبه‌ای از خصیصه ذاتی کنجکاوی و علم‌جویی بشر بوده که وی را از دیرباز مترصد پیش‌بینی حوادث و صحنه‌های آینده کرده است (برزگر، ۱۳۸۲: ۶). فرضیه مورد نظر نوشتار این است که انتخاب کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای از سوی ایران، رقابت با کشورهای حامی تروریسم و وابسته به غرب در منطقه را در حوزه مسائل هویتی، امنیتی و تأمین منافع ملی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. براین اساس ایران منطبق با کدهای ژئوپلیتیک خود دوستان و دشمنان خود، چگونگی حفظ کردن آنها و در عین حال منافع خود و تهدیدات علیه آن منافع و چگونگی توجیه این اقدامات و پاسخ‌ها در مقابل تهدیدات را تعریف و مشخص نموده است. کدهای رفتاری

ایران در سوریه، عراق، یمن و بحرین بر همین اساس قابل تحلیل و بررسی هستند. درخور توجه است که تغییر و تحولات حادث در این کدها تأثیرات مهمی بر انقلاب اسلامی ایران برجای خواهند نهاد و نظر به اهمیت این مسئله است که جمهوری اسلامی ایران نسبت به آنها حساس بوده است.

## مبانی نظری پژوهش

### کد و بینش ژئوپلیتیک

کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را بر اساس درجه اهمیت آنها برای منافع و علائق خود مورد ارزیابی قرار می‌دهد و نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور می‌شود (Mamadouh, 2004: 2). به عبارت دیگر، کد ژئوپلیتیک مجموعه‌ای از فرضیه‌های استراتژیک است که یک کشور بر اساس آن به تنظیم سیاست خارجی خود با دیگر کشورها می‌پردازد و دربرگیرنده تعریفی از منافع و علائق آن کشور، شناسایی تهدیدهای خارجی نسبت به آنها و ارائه یک پاسخ برنامه‌ریزی شده برای مقابله با آن تهدیدها و توجیه آن پاسخ است (Pascal, 2004: 4). کد ژئوپلیتیک یک نقشه است که به وسیله کشورها در رنگ‌های مختلف بر اساس درجه دوستی - دشمنی با بازیگر یا بازیگران مقابل خود در عرصه روابط خارجی‌شان در جهت منافع ملی ترسیم می‌گردد (Dijkink, 1998: 293). این فرضیات هم قبل و هم بعد از اینکه یک دولت مسئولیت را به عهده می‌گیرد شکل می‌گیرند (Gaddis, 1982: 5). علاوه بر این، کد ژئوپلیتیک بر روی اهمیت عقاید و اعتقادات رهبران و تأثیر آن بر روی کنش‌های دولت‌ها در هر دوره خاص و مشخص ریاست جمهوری تأکید می‌نماید و به همین دلیل آنها را سرمایه عقلی و فکری<sup>۱</sup> و کدهای عملیاتی<sup>۲</sup> نامیده‌اند (George, 1969; Kissinger, 1979). اگرچه این کدها تقریباً به صورت بنیادی و اساسی تغییر نمی‌کنند و نسبتاً ثابت هستند و اساس تغییر آنها به صورت تدریجی درون محدودیت‌های یک دوره طولانی تاریخی که نظم جهانی ژئوپلیتیک<sup>۳</sup> نامیده می‌شود، صورت می‌گیرد (Kolossoff, 2003). تیلور ژئوپلیتیستی است که به وجود رابطه قوی میان کدهای ژئوپلیتیک و نظم‌های جهانی ژئوپلیتیک معتقد است (Taylor, 1993). او به صراحت بیان می‌کند که این کدها برای نظم‌های جهانی ژئوپلیتیک، همانند بلوک‌های تشکیل دهنده یک ساختمان هستند و این زمانی درک خواهد شد که ما به مقیاس‌های جغرافیایی کدهای ژئوپلیتیک توجه نماییم. در حقیقت، تطبیق سطوح مختلف این کدها با یکدیگر و ایجاد یک الگوی نسبتاً ثابت جهانی در سرتاسر جهان به عنوان یک نظم ژئوپلیتیک قلمداد می‌شود. علاوه بر این، در تعریف کدهای ژئوپلیتیک پایه و بنیاد سیاست خارجی محسوب می‌شوند. بنابراین، کدهای ژئوپلیتیک پشت تصمیمات سیاست خارجی دولت‌ها قرار دارند (Flint &

1. Intellectual Capital
2. Operational Codes
3. Geopolitical World Orders

(Taylor, 2007). کدهای ژئوپلیتیک، چهارچوب‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند که یک دولت با بهره‌گیری از آن با جهان خارج مذاکره می‌نماید و در این ارتباط، منافع ملی تعریف شده است و دولت‌های دیگر برحسب اینکه آیا این کدها کمک واقعی یا بالقوه یا مانع منافع ملی هستند به ارزیابی و بررسی آنها می‌پردازند (Taylor, 1993: 36). زیرا کدهای ژئوپلیتیک به قدرت و توانایی هر کشوری به‌عنوان قدرت جهانی، منطقه‌ای و یا حتی یک دولت کوچک اشاره دارند. کدهای ژئوپلیتیک در سه سطح مختلف شکل می‌گیرند: سطح اول: کدهای محلی<sup>۱</sup> برای همه کشورها تعریف می‌شوند و تمام همسایه‌های نزدیک، هم دوست و هم دشمن را شامل می‌شود؛ دوم؛ کدهای منطقه‌ای<sup>۲</sup> که توسط این کدها قدرت‌های منطقه‌ای منافع خود را فراتر از چهارچوب محدود مرزهای خود تعریف می‌نمایند (Taylor, 1993: 37). سومین سطح به قدرت‌های جهانی مربوط می‌شود که کدهای آنها در مقیاس جهانی تعریف می‌شود که در واقع به آنها کدهای جهانی<sup>۳</sup> می‌گویند. دولت‌های این کشورها منافع خود را به وسعت جهان تعریف می‌نمایند و همچنین تهدیدات بالقوه این منافع و نیز اقدام در مقابل این تهدیدات به‌عنوان یک پاسخ مناسب را نیز تعریف و مشخص می‌کنند. این مدل دولت‌ها، قدرت‌های بزرگی هستند که قادرند حضور و عمل خود را در سرتاسر جهان حفظ نمایند. در این مورد باید اذعان نمود که کشورهای مدعی هژمونی و رهبری جهان، نقش بسیار مهمی را به‌عنوان عوامل اصلی دارند و آن نیاز به پاسخ هرگونه چالش علیه اقتدار و منافع‌شان در هر نقطه از جهان است و اساساً هرگونه تلاشی برای دیگر کشورها برای ایجاد و انتخاب کد ژئوپلیتیک جهانی به‌عنوان یک چالش برای رهبر و هژمون جهانی قلمداد می‌شود (Taylor & Flint, 2000: 59). نکته مهم دیگر این است که با وجود اینکه کدهای ژئوپلیتیک در سه سطح متفاوت وجود دارند اما تفکیک آنها از یکدیگر اشتباه است. در حقیقت کدهای ژئوپلیتیک در سطح محلی به زمینه<sup>۴</sup> ژئوپلیتیک جهانی مرتبط است (Flint, 2006). این همان چیزی است که تیولور از آن به‌عنوان رابطه سلسله مراتبی<sup>۵</sup> کدهای ژئوپلیتیک یاد می‌کند. او معتقد است «کدهای محلی دولت‌های کوچک باید با کدهای منطقه‌ای دولت‌های متوسط متناسب و هماهنگ شود و کدهای منطقه‌ای دولت‌های متوسط نیز به نوبه خود با کدهای فراگیر جهانی قدرت‌های جهانی هماهنگ و متناسب گردد» (Taylor, 1993: 38). توضیح روشن و دقیق این رابطه سلسله مراتبی میان مقیاس‌های متفاوت کدها این است که قوی‌ترها ایده‌ها، فرضیات و خواست خود را بر ضعفا تحمیل می‌کنند. به‌طور خاص، باید اذعان داشت که قدرت‌های به اصطلاح بزرگ بر روی کدهای ژئوپلیتیک دیگر اعضای نظام بین‌المللی تأثیر بیش از اندازه داشته‌اند (Taylor & Flint, 2000: 63). در حقیقت، این به رابطه عمیق میان کدهای ژئوپلیتیک و نظم‌های جهانی ژئوپلیتیک اشاره دارد. در کل کدهای

- 
1. Local Codes
  2. Regional Codes
  3. Global Codes
  4. Context
  5. Hierarchical Relation

ژئوپلیتیک در سه مقیاس ایجاد می‌شوند و وقتی به شکل الگوی جهانی سیاست ترکیب گردند، ما آن را یک نظم جهانی ژئوپلیتیک می‌نامیم (Flint & Taylor, 2007: 46).

گفتمان‌های ژئوپلیتیکی مفاهیمی هستند که ترکیبی از کدهای ژئوپلیتیک و بینش‌های ژئوپلیتیک می‌باشند. در واقع باید در نظر داشت که کدهای ژئوپلیتیکی به‌عنوان «گفتمان‌های ژئوپلیتیکی از بالا» در نظر گرفته می‌شوند که توسط نخبگان شکل می‌گیرند و بینش ژئوپلیتیک به‌عنوان «گفتمان‌های ژئوپلیتیک از پایین» در نظر گرفته می‌شوند که توسط توده مردم تشکیل می‌گردند (Kolossoy, 2003). بینش ژئوپلیتیک عبارت است از هر نوع نظر و عقیده‌ای راجع به روابط بین مکان یک شخص یا گروه با اشخاص و یا گروه‌های دیگر، شامل احساس امنیت یا عدم امنیت، سود و یا زیان و یا بکارگیری عقاید و اندیشه‌هایی در مورد یک مأموریت جمعی یا استراتژی سیاست خارجی است (Dijkink, 1996: 11). بینش ژئوپلیتیک حداقل دربرگیرنده تمایز بین «ما» و «آنها» و نوعی پیوند احساسی نسبت به مکان می‌باشد و قائل به نوعی پدیده مرزسازی است که به حکومت‌های ملی یاری می‌کند تا موجودیت و هویت خود را تولید و بازتولید کنند. با این وجود، حکومت‌های ملی موجودیت‌هایی با هویت ثابت نیستند زیرا هیچ پایه و اساس طبیعی یا عینی‌ای برای تعریف ما و آنها یا داخلی و خارجی وجود ندارد (O'Tuathail & Dalby, 1998: 4).

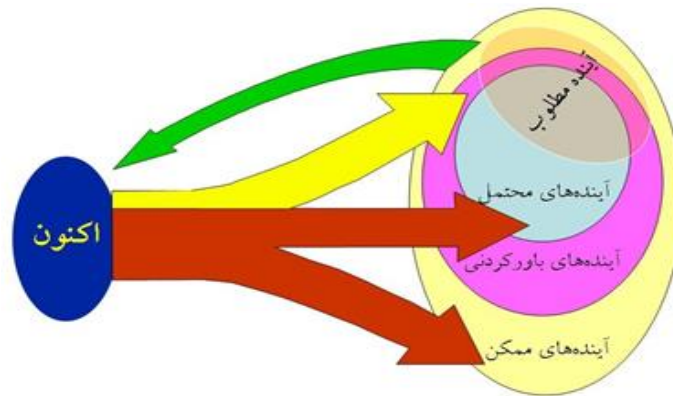
### آینده‌پژوهی

انسان‌ها از بدو تاریخ، علاقه وافری به آگاهی یافتن از آینده داشته‌اند. این اشتیاق به حدی بوده است که در آثار به جای مانده از دوران پارینه سنگی نیز شواهدی یافت می‌شود که انسان نخستین با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌هایی در پی پیش‌گویی آینده بوده است. در طول تاریخ واژگانی چون پیش‌گویی، پیش‌بینی، آینده‌نگری و آینده‌اندیشی و... همواره برای انسان‌ها با هر نژاد و رنگی شناخته شده بوده‌اند. منتها تغییرات رخ داده در عصر صنعتی و نمایان شدن یک جهان ناپایدار، مبهم و پیچیده و سرشار از عدم قطعیت، انسان‌ها به ناچار ابزارهایی را طراحی و به خدمت گرفتند تا بتوانند در این جهان آشوبناک بهتر تصمیم‌گیری کنند و در برابر پیشرفت‌های شتابان و سرسام‌آور جهان امروز غافلگیر نشوند (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۳: ۱). به دنبال چنین تغییرات و پیچیدگی‌هایی این سؤال مطرح شد که آیا بشر واقعاً به‌گونه‌ای آفریده شده است که همواره «محمکوم» آینده باشد، یا می‌تواند چنان اندیشه و عمل کند که «مخدوم» آینده شود؟ آیا همان‌طور که بخش بزرگی از مردم جوامع سنتی باور داشتند و هنوز چنین باوری دارند، آینده از پیش مقدور شده و ما ناگزیر باید آن را به نحوی که فرا می‌رسد، پذیرا باشیم؟ و یا می‌توانیم آینده را آگاهانه، فاعلانه، هوشمندانه، کنش‌گرایانه چنان خلق کنیم که ارزش‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های واقعی ما در آن متبلور باشد؟ این پرسش‌های فلسفی بنیادین، که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول داشته‌اند، ما را در برابر دو پارادایم متضاد قرار می‌دهند: پارادایم آینده‌پذیری (انفعال) و پارادایم آینده‌سازی (مهندسی و اختراع هوشمندانه آینده)

1. High Geopolitical Discourses
2. Low Geopolitical Discourses

(ملکی فر، ۱۳۹۳: ۷). از همین روی است که تغییرات شتابان و شگرفت در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناوری و زیست محیطی، مسائل نظامی، عدم قطعیت‌ها و افزایش سطح خطرپذیری از مهم‌ترین دشواری‌ها و موانع پیشروی تصمیم‌گیرندگان در سطوح ملی و جهانی برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در حوزه‌های گوناگون راهبردی و عملیاتی است.

آینده‌پژوهی به‌طور کلی فرآیند مطالعه، بررسی و ارزیابی آینده‌های ممکن<sup>۱</sup> (آنچه می‌تواند باشد)، باورکردنی<sup>۲</sup> (قابل باور براساس روندها، واقعیات، محدودیت‌ها و پتانسیل‌ها)، محتمل<sup>۳</sup> (آنچه احتمالش می‌رود) و مطلوب یا مرجح<sup>۴</sup> (آنچه باید باشد) است، که در عصر اطلاعات به لحاظ بسیط‌تر بودن مفهوم زمان، افزایش شمار روندها، پیشران‌ها و رویدادهای غافل‌گیرکننده ضرورت فراوانی یافته است (glenn, 2003:5).



نمودار ۱: انواع آینده، منبع: slideshare

### تحولات ژئوپلیتیک سوریه و کد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی

رابطه جمهوری اسلامی ایران با کشور سوریه همواره حائز اهمیت بوده و در چارچوب یک رابطه استراتژیک تعریف شده است. این روابط قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به جزء در مقاطع استثنایی همواره در سطح پایین قرار داشته و با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. بعد از انقلاب، در ادامه روابط دو جانبه و در زمان جنگ ایران و عراق، سوریه به دلیل اختلاف نظرهای شدیدی که با حکومت صدام داشت، همواره از ایران پشتیبانی و حمایت می‌کرد (سعیدی، ۱۳۷۵: ۱۳۷).

1. possible futures
2. plausible futures
3. probable futures
4. preferable futures

مهمترین بُعد تحولات ژئوپلیتیک سوریه بعد از سال ۲۰۱۱ بعد رقابت‌های منطقه‌ای و دخالت‌های بازیگران مهم منطقه‌ای این کشور است. مهمترین علت استمرار بحران سوریه، به‌علت رقابت شدید در جریان متضاد مقاومت و محافظه‌کار عربی در منطقه جنوب غرب آسیا است. در این میان سوریه که به‌عنوان قلب استراتژیک محور مقاومت، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکش دو چندان می‌گردد. مهمترین ویژگی بحران سوریه دخالت مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی که در دو طیف متضاد هم هستند، نخست طیف ترکیه، اسرائیل، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس (مخصوصاً عربستان سعودی) که حمایت کامل خود را از مخالفان اسد اعلام داشته‌اند و طیف دیگر ایران، حزب‌الله لبنان و عراق که از بشار اسد حمایت می‌کنند و برای ثبات حکومت مرکزی او به تلاش پرداخته‌اند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

پس از شکل‌گیری تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران در کنار قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر روسیه و چین به حمایت از دولت سوریه پرداخته است که بی‌تردید ابعاد ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در راستای تأمین منافع استراتژیک ایران در این جهت‌گیری بی‌تأثیر نبوده است. روابط تهران با دمشق در طول تاریخ بر منافع استراتژیک مشترک در منطقه خاورمیانه استوار بوده است و هر دو کشور برای ایجاد موازنه در برابر دولت‌های معاند عرب نظیر عربستان سعودی به یکدیگر متکی بوده‌اند. از نگاه تهران، سوریه به‌عنوان دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب، ابراز وجود در مقابل عربستان، سدی در برابر قدرت آمریکا و اسرائیل و همچنین به‌عنوان پل ارتباطی مهم برای دسترسی به حزب‌الله لبنان عمل می‌کند. ایران به‌عنوان متحدی استراتژیک، توانسته به ایفای نقش جهت پرکردن خلا دوری و ترد سوریه از جهان عرب بپردازد و این خلاء را به‌خوبی پر کند (pan, 2006).

ائتلاف ایران و سوریه از چند عامل مهم نشأت گرفته است که این عوامل عبارت هستند از: ملاحظات استراتژیک، تهدیدهای امنیتی مشترک، اتحاد ایدئولوژیک و نیاز مبرم به یک شریک مطمئن سیاسی. در زمینه تهدیدهای مشترک امنیتی ذکر این نکته بسیار مهم است که محور این احساس مشترک حول دو تهدید امنیتی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی می‌چرخد که این دو متحدان استراتژیک آمریکا هستند و با محور استراتژیک ایران و سوریه مجاورت دارند. از سوی دیگر، برای ایران و سوریه قابلیت و نیات تهاجمی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در سیاست‌های اعلامی و اعلانی مشهود و مسلم بوده است (Gelbert, 2010: 14). مهمترین عامل و موضوع برای ایران در مسأله بحران سوریه، جلوگیری از تضعیف محور مقاومت و در عین حال حفظ سوریه به‌عنوان یک سپر دفاع امنیتی در منطقه و جلوگیری از ایجاد چالش بزرگ امنیتی برای خود در منطقه است (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۴). در رابطه با چرایی راهبرد ایران به حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی سوریه محاسبات پیچیده و دشواری وجود دارد، دلایل توجه خاص دستگاه دیپلماسی ایران به بحران در این کشور و اهمیت آن را از دید دیگر می‌توان در این موارد جستجو کرد: ۱. این احتمال وجود دارد که تداوم جنگ داخلی در سوریه منجر به تشدید نزاع میان گروه‌های مذهبی و قومیت نژادی شود؛ ۲. احتمال اینکه اکثریت سنی مذهب در بحبوحه بحران از فرصت استفاده کرده و خود را برای رسیدن به قدرت تجهیز نمایند. در واقع با توجه با این موارد، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در

بحران سوریه است تا ضمن حمایت از خواسته‌های مردم این کشور، تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه، حمایت همه‌جانبه خود را از این کشور اعلام نماید. به همین دلیل تلاش‌های جامعی را برای مشاوره و کمک مستشاری به سوریه انجام داده تا حکومت سوریه همچنان بر قدرت محفوظ ماند. از طرف دیگر ایران با تداوم حمایت خود از سوریه، چندین هدف دیگر از جمله جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه با هدف جلوگیری از توسعه رژیم صهیونیستی در منطقه، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

با این وصف مبرهن می‌گردد که کد ژئوپلیتیکی سوریه کماکان اهمیت حیاتی برای ایران دارد و لذا نظر به اینکه این خطه سرمایه استراتژیکی عظیم و عمق قدرت دهنده‌ای برای ایران بوده و مضاف اینکه محور اتصال این کشور به شرق مدیترانه و سرزمین‌های اشغالی به‌شمار می‌رود، از ابتدای بحران تاکنون کمک‌های گسترده و چند جانبه‌ای در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصاد، نظامی و داوری و بهداشتی به دولت حاکم سوریه جهت تاب‌آوری در مقابل هجمه‌ها و تکانه‌های سخت و نرم محورهای سه‌گانه ضد سوریه عبری، عربی و غربی انجام داده است. تا جایی که هم اکنون به اذعان و اعتراف اکثریت کارشناسان نظامی و سیاسی غربی و همچنین بسیاری از محافل دانشگاهی و اطلاعاتی منطقه و جهان و در شرایطی که گروه تروریستی داعش پایگاه‌های اصلی خود در سوریه را از دست داده و در حال عزیمت به دیگر مناطق جهان است، ایران را مهم‌ترین و موفق‌ترین کنشگر در مدیریت تحولات سوریه به حساب می‌آورند. در همین رابطه باید به این مهم نیز عنایت داشت که در صورت تسلط داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه که روی دیگر بحث سقوط دولت بشار اسد بود، یکی از پازل‌های اصلی انزوای ژئوپلیتیکی ایران کشف و به کار برده می‌شد و این مسئله به مثابه محاصره ایران و متحدان این کشور تلقی می‌گردید.

### کد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک بحرین

پس از شکل‌گیری اعتراضات یمن در سال ۲۰۱۱ و اعتراضات روز خشم در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و الوفاق در ۱۷ فوریه ۲۰۱۱، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خود را در یک بازی امنیتی دیدند که می‌توانست با توجه به تحولات جهان عرب، حاکمیت و امنیت داخلی آنها را نیز تحت الشعاع قرار دهد. بدین منظور کشورهای عضو شورا و به‌ویژه عربستان سعودی با بکارگیری تمام ظرفیت‌های خود حفظ نظام بحرین را با نام تأمین امنیت کشورهای عضو دنبال نمودند (رومینا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴). در این میان، عربستان سعودی بیشترین نقش را در تحولات بحرین و روند آن داشته است. نزدیکی بحرین به عربستان موجب شده است ریاض توجه خاصی به تحولات این کشور داشته باشد چرا که ناآرامی و تنش در بحرین به راحتی می‌تواند به سرزمین عربستان تسری یابد (Terri, 2011: 22). بحرین روابط ویژه‌ای با عربستان دارد. حکومت این کشور در اقتصاد و امنیت کاملاً متکی به عربستان است. در واقع کمک‌های بلاعوض عربستان به بحرین، افزایش سهم نفت بحرین در حوزه مشترک نفتی ابوسعفه و احداث پل ارتباطی ۲۵ کیلومتری در



سال ۱۹۸۶ با هزینه معادل ۶۰۰ میلیون دلار باعث نفوذ زیاد عربستان در خاندان حکومتی بحرین شده است (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۱۴).

مقامات سعودی و بحرینی به منظور توجیه مداخله و سرکوب مردم بحرین اظهار داشتند که نیروهای شورای همکاری خلیج فارس برای کمک به حفاظت از بحرین در برابر تهدید ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در سیاست‌های داخلی بحرین مداخله کرده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز خواستار مداخله سازمان ملل برای توقف کشتار مردم بحرین شد (نیکو، ۱۳۹۱: ۱۳۵). در مجموع رویکرد عربستان سعودی در قبال بحران بحرین را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. عربستان سعودی، بحرین را به نوعی حیاط خلوت و منطقه نفوذ خود تعریف می‌کند و بر این اساس خواستار حفظ حاکمیت آل خلیفه در این کشور است و هیچ‌گونه تغییر و تحولات سیاسی در آن را نمی‌پذیرد (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۲. نکته دوم بافت جمعیتی بحرین با اکثریت شیعه و همبسته با جمعیت شیعه عربستان است. این مسأله موجب نگرانی عربستان از سرایت ناآرامی‌ها به مناطق شیعی نشین خود شده است (رومینا، ۱۳۹۲: ۱۵). آنچه بحرین را به‌عنوان موردی خاص در بیداری اسلامی کشورهای عربی مطرح می‌کند، رفتارهای دوگانه است که اصولاً از سوی دولت‌های همسایه، رسانه‌ها و نیز بازیگران مهم بین‌المللی به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، بروز کرده است (جهانخواه و دیده‌ورا، ۱۳۹۲: ۸۵).

در رابطه با اهمیت بحرین برای کشور ایران باید گفت که این کشور از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. بحرین در قرون گذشته جزئی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است و بخشی از جمعیت آن را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و ایران وجود دارد. مسئله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد کشور است و به‌خصوص تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد و رویکرد فعالانه‌ای در این خصوص اتخاذ نماید. آل خلیفه و عربستان سعودی سعی کرده‌اند تا مطالبات مخالفین در بحرین را فرقه‌ای مطرح نموده و ایران را نیز به دخالت در تحولات بحرین و سایر کشورهای خلیج فارس متهم نموده‌اند.

ایران در طول بحران بحرین سعی نموده است از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده نماید. بکارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در جهت محکوم کردن آل خلیفه و به نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی، برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات در اعتراض به اقدامات آل خلیفه و آل سعود و اقدامات نمادین اعتراضی در

ایران و حتی سایر کشورهای منطقه، اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند نوشتن نامه به دبیر کل سازمان ملل و رایزنی با مجامع بین‌المللی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، در این خصوص قابل اشاره است (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۸). اهمیت ژئوپلیتیک بحرین برای ایران را می‌توان از منظر منافع و ارزش‌ها نیز مورد توجه قرار داد. از لحاظ منافع، بحرین در حوزه فوری سیاسی - امنیتی ایران در منطقه حساس خلیج فارس قرار دارد. حضور نیروهای سعودی در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس، صورت گرفته است. این سیاست عربستان می‌تواند توازن قدرت در منطقه خلیج فارس و جنوب غرب آسیا را به ضرر ایران بر هم زند. تحرکات نظامی عربستان، ضمن اینکه به نیروهای بیگانه بهانه لازم را می‌دهد که با استدلال اتصال امنیت منطقه به امنیت جهانی (امنیت انرژی)، به حضور گسترده خود در منطقه تداوم دهند، منجر به گسترش نظامی‌گری و به دنبال آن بی‌ثباتی در منطقه می‌شود. بدیهی است این امر به ضرر منافع ملی ایران خواهد بود. از لحاظ ارزش‌ها نیز مسئله بحرین برای ایران حائز اهمیت است. بیشتر جمعیت بحرین ضمن اینکه شیعی هستند، ریشه ایرانی دارند و به زبان فارسی صحبت می‌کنند. ایران نیز یک کشور شیعی است که به‌طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم نوعان و هم مذہبان خود در منطقه حساس است (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۹۰: ۴).

لازم به ذکر است که آنچه که کد ژئوپلیتیکی بحرین را بیش از پیش برای ایران حائز اهمیت نموده مداخلات عربستان سعودی و سرکوب شیعیان معترض به رژیم آل خلیفه می‌باشد. این مسئله با دستگیری شیخ عیسی قاسم روحانی و رهبر انقلابیان بحرینی تشدید شده است. لازم به ذکر است که به دنبال شهادت شیخ نمر توسط عربستان بلافاصله این کشور طرح دستگیری رهبر انقلاب بحرین را به حاکمان بحرین داد و به دنبال اجرایی شدن این طرح و دستگیری و زندانی شدن شیخ عیسی قاسم بلافاصله ایران نسبت به این مسئله اعتراض نمود و هشدارهای جدی به حاکمان سعودی و آل خلیفه داد. با این وجود علی‌رغم اجرایی شدن طرح‌های سرکوب‌گرایانه هماهنگ دو رژیم - ریاض و منامه - بر علیه انقلابیان، فعالیت معترضان نه تنها با حصر شیخ عیسی قاسم متوقف نشده است، بلکه با سرعت بیشتری نیز ادامه پیدا کرده است. به دنبال این تحولات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، در خصوص آیت الله شیخ عیسی قاسم و تحولات بحرین بیان می‌دارند که:

«مسئله‌ی بحرین جنگ شیعه و سنی نیست، مسئله‌ی حاکمیت جائران‌ه‌ی ابلهانه‌ی یک اقلیت مستکبر خودخواه بر یک اکثریت گسترده است. یک اقلیت کوچکی بر هفتاد درصد، هشتاد درصد مردم بحرین دارند حکومت می‌کنند؛ حالا هم [این] عالم مجاهد، آقای شیخ عیسی قاسم را مورد تعرض قرار داده‌اند؛ این حماقت آنها است، این بلاهت آنها را نشان می‌دهد. شیخ عیسی قاسم کسی بود که تا امروز و تا وقتی که می‌توانست با مردم حرف بزند، از حرکات تند و مسلحانه‌ی مردم جلوگیری می‌کرد، مانع می‌شد. نمی‌فهمند که با چه کسی در افتاده‌اند، نمی‌فهمند که تعرض به شیخ عیسی قاسم یعنی برداشتن مانع از

مقابل جوان‌های پُرشور و پُرحماسه‌ی بحرینی که [اگر] بیفتند به جان نظام حاکم، از هیچ راه دیگری نمی‌توانند آنها را ساکت کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۴/۵).

### کد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک عراق

باید اذعان نمود که مصادف با انتخابات سال ۲۰۰۶، نوری المالکی از حزب شیعی الدعوه به مقام نخست وزیری رسید و از این تاریخ به بعد ایران توانست در عراق نفوذ پیدا کند و با وقوع تحولات عربی منطقه در سال ۲۰۱۱، نفوذ خود را به اوج برساند (Katzman, 2013: 1-2).

سیاست حمایت ایران از شیعیان عراق علاوه بر جنبه‌ها و زمینه‌های مذهبی و تاریخی- فرهنگی آن در راستای اولویت راهبردی ایران در قبال عراق، یعنی جلوگیری از تسلط گروه‌های افراطی و بعثی مخالف ایران بر بغداد و ظهور مجدد عراق به‌عنوان تهدیدی امنیتی است. این امر باعث شده است که گروه‌های مختلف مذهبی، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از ستون‌های قدرت و منبع حمایت بیرونی برای کسب موفقیت و برتری در منازعات درونی قدرت تلقی کنند، حمایتی که در دوره کنونی نهادینه‌سازی قدرت، بسیاری از مباحث و نگرش‌های ملی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. مجلس اعلای اسلامی گرایش بیشتری به سوی ایران دارد و ارتباط آن با مقامات ایرانی نیز قوی‌تر است. حزب الدعوه نیز دارای گرایش و دیدگاهی مثبت نسبت به ایران است (واعظی، ۱۳۸۷: ۵).

چسبیدگی جغرافیایی ایران و عراق و تبارشناسی روابط امنیتی گذشته، تأثیر فراوان عراق بر امنیت ملی ایران را تعیین می‌کند. عراق تنها کشور همسایه‌ای است که در ۱۵۰ سال اخیر به ایران حمله کرده است و گروه‌های معاند حکومت‌های ایران همواره در این کشور به فعالیت مشغول بوده‌اند. وجود عنصر کردی، ژئوپلیتیک عراق، مرزهای آبی و خاکی، جمعیت ۶۰ درصد اهل تشیع در این کشور، ناامن بودن فضای داخلی این کشور بعد از حمله سال ۲۰۰۳، قدرت‌یابی نیروهای سیاسی شیعی، نیازمندی و پتانسیل‌های اقتصادی- عمرانی این کشور، حضور قدرت‌های بین‌المللی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در این سرزمین از جمله مواردی است که اهمیت عراق را در امنیت ملی ایران برجسته کرده است (دروریشی و پرتو، ۱۳۹۰). علاوه بر فرصت‌های ایران در عراق که نزدیکی به شیعیان و افزایش نفوذ آن را در بر می‌گیرد، باید به چالش‌های پیش روی آن نیز اشاره کرد. بر این اساس، شکل‌گیری گروه داعش به رهبری ابوبکر البغدادی بعد از انشقاق از القاعده، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی ایران در عراق به شمار می‌رود که در مدت کوتاهی توانست بخش بزرگی از شمال عراق و سوریه را تصرف نماید (کسرابی و داوری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

با تشدید فعالیت‌های داعش در عراق، یکی از حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیک ایران با بحران مواجه گردید و در مقابل بر فعالیت عربستان در این کشور افزوده شد چرا که به‌رغم تیرگی و تنش‌های مختلف در روابط عراق و عربستان سعودی در دوره نخست وزیری نوری المالکی، دوره جدید نخست وزیری حیدر العبادی که با برخی تحولات مهم منطقه‌ای نظیر قدرت گرفتن داعش همراه بود، به‌طور نسبی تحولات و تغییرات

نوبتی در روابط ریاض با بغداد صورت گرفت. مشارکت ابراهیم جعفری وزیر امور خارجه عراق در کنفرانس جده برای مبارزه با گروه‌های تروریستی در ماه سپتامبر ۲۰۱۴، سفر هیئت عراقی به سرپرستی فواد معصوم رئیس جمهور عراق و سپس سفر رئیس پارلمان عراق آقای سلیم جبوری به ریاض از مهم‌ترین تحرکات اخیر در روابط عراق و عربستان سعودی قابل تحلیل است.

عربستان سعودی با توجه به شرایط جدید عراق و منطقه و برداشت خاص خود از فرصت‌ها و تهدیدات تحولات اخیر درصدد است تا سیاست‌های نوبتی را طراحی و اجرا کند که از جمله آنها بهبود نسبی در روابط و تعاملات خود با عراق است. نکته مهم دیگر در روابط عربستان و عراق به مسئله نفوذ ایران مربوط می‌شود. بر این اساس، مبارزه ایران با داعش منجر به نفوذ بیشتر آن منجر گردید و در مقابل از نفوذ عربستان کاست؛ چرا که عربستان علی‌رغم پیوستن به ائتلاف ضد داعش در عمل چندان تمایل به نابودی آن نداشت. مقابله و مخالفت با تحرکات جریان‌های شیعه و بسیج مردمی شیعیان که با هدایت ایران انجام گرفت، فشار به غرب و دولت عراق در عدم بهره‌گیری از نیروهای حشدالشعبی و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی از جریان‌های تکفیری، بخشی از اقداماتی است که در حین مبارزه با داعش توسط این کشور صورت گرفت (نیاکوئی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸). در مجموع سه محور اصلی سیاست عربستان در عراق یعنی تمرکز بر ناامن کردن این کشور، فشار به دولت شیعی در جهت وارد ساختن اعراب سنی به ساختار و مهم‌تر از همه جلوگیری از تسلط ایران در این کشور بوده است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). به لحاظ سیاسی - استراتژیک عراق جدید به دو دلیل ذیل برای ایران حائز اهمیت بنیادی است:

(۱) عراق می‌تواند از حالت متعادل‌کننده قدرت ایران در منطقه خارج شود و در طرح و استراتژی‌های سیاسی - استراتژیک در کنار ایران قرا بگیرد.

(۲) عراق ظرفیت چالش ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای و استراتژیک را داراست. اختلافات مرزی، موقعیت ژئوپلیتیک، بنیه نظامی - اقتصادی از یک‌سو، در سر داشتن سودای رهبری جهان عرب، دامن زدن به هویت‌های واگرایانه عجم و عرب توسط برخی از شخصیت‌ها و گروه‌های عراقی از سوی دیگر، ظرفیت‌هایی هستند که می‌تواند عراق جدید را پس از تثبیت و استقرار مجدد، دوباره به‌عنوان یکی از چالش‌های امنیت ملی ایران در سطح منطقه وارد معادلات سیاسی - استراتژیک نماید (دروریشی و پرتو، ۱۳۹۰).

ظهور داعش در عراق بلافاصله این فرضیه را به ذهن استراتژیست‌ها و سیاست‌مداران ایرانی متبادر ساخت که دشمن - داعش و بانیان و حامیان این سازمان وهابی - تکفیری - در تلاش جهت ایجاد انقطاع بین محور مقاومت و مسیر راهبردی بغداد - دمشق و بیروت هستند و به‌علاوه در صورت تسلط این سازمان تروریستی بر خاک عراق، امنیت مرزهای ایران به شدت شکننده خواهد بود، از همین روی بلافاصله به مانند سوریه و حتی به مراتب بیشتر کمک‌های مستشاری و اطلاعاتی به یگان‌های نظامی عراق در دستور کار قرار گرفت و در همین راستا طرح سامان‌دهی و تسلیح مردم در قالب یگان‌های بسیج حشدالشعبی به منظور مقابله با اقدامات چریکی و غیرمنظم داعش نیز تدوین و اجرایی گردید. ماحصل اقدامات نیروهای اطلاعاتی، نظامی و بسیج مردمی عراق با همراهی و کمک‌های ایران منتهی به عقب‌نشینی و پس گرفتن

مناطق تحت تصرف داعش در عراق شد و این مهم موفقیت بزرگ و مفید فایده‌ای در راستای مصونیت یکی از مهم‌ترین کدهای حیاتی و خطرآفرین می‌گردد.

مسئله دیگری که با افول داعش در عراق منجر به نگرانی و اقدام ایران گردید، نگرش‌های نظری و عملیاتی اقلیم کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و حمایت‌های ظاهری رژیم اسرائیل و پشتیبانی پنهانی دو کشور آمریکا و عربستان در جهت تجزیه عراق و در نهایت بازکردن جبهه جدیدی به روی ایران و دولت مرکزی بود. درخور توجه است که اقلیم کردستان عراق سعی در بهره‌برداری از شرایط اعوجاج گونه این کشور داشتند؛ چرا که به زعم آنها در شرایط قدرت‌گیری دوباره دولت مرکزی، از ایده‌های استقلال طلبانه آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. در نهایت با همکاری چهارجانبه جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عراق و سوریه، هشدارها و اندازهای مکرر و به همراه برخی اقدامات عملیاتی - تنبیهی، علی‌رغم برگزاری همه پرسی استقلال، کردها از موضع خود عقب‌نشینی کردند.

### کد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک یمن

کشور یمن در جنوب شبه جزیره عربستان قرار دارد و از شمال با عربستان و از شرق و جنوب شرقی با کشور عمان همسایه است. این کشور با ۵۲۷ هزار کیلومتر مربع مساحت. یمن دست‌کم دارای چهار موقعیت ژئوپلیتیک است، اشراف یمن بر خلیج عدن، اشراف کامل و بی‌رقیب آن بر مهم‌ترین تنگه استراتژیک جهان (باب المندب)، اشراف کامل بر آبراه حساس دریای سرخ تسلط یمن بر کوه‌های استراتژیک «مران» که از سواحل عدن آغاز و تا منطقه طائف در جنوب کشیده می‌شود. با این وصف، تحولات یمن به تحول عمده در شبه‌جزیره عربستان و حتی مناطق اطراف آن، مانند شاخ آفریقا و... کشیده می‌شود (سرادار و موسوی، ۱۳۹۴: ۷۷).

کشور یمن به دلیل موقعیت راهبردی اهمیتی ویژه دارد و با پیوند دادن دریای سرخ و اقیانوس هند، نزدیک‌ترین آبراهه بین شرق و غرب به‌شمار می‌رود. جمعیت این کشور با توجه به آمارهای سال ۲۰۱۲ میلادی، ۲۴ میلیون نفر است که مسلمانان ۹۷ درصد (سنی ۵۵ درصد و شیعه ۴۲ درصد) و هندو، مسیحی و یهودی ۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. عربستان به یمن به‌عنوان یک کشور پرجمعیت و در عین حال پر مشکل در همسایگی خود می‌نگرد که هم‌زمان نیازمند توجه و برخورد محتاطانه است. نگاه عربستان به یمن بیش از هر چیز از زاویه امنیت داخلی است و بیش از آنکه از طریق وزیر امور خارجه به طرح‌ریزی سیاست در این کشور بپردازد، از وزیران کشور و دفاع خود در این زمینه بهره می‌گیرد (سرادار و موسوی، ۱۳۹۴: ۸۶). یمن از جولای ۲۰۱۴ تاکنون در دو مرحله شاهد بحران جدی بوده است. مرحله اول از جولای ۲۰۱۴ شروع و به توافقنامه ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ ختم شد و مرحله دوم نیز از ژانویه ۲۰۱۵ شروع و همچنان ادامه دارد. مهمترین علل آغاز بحران عبارتند از:

۱. ناکامی دولت موقت منصور هادی در تحقق اهدافی نظیر تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری طی دوره موقت دو ساله؛

۲. تمدید غیرقانونی دوره موقت منصور هادی برای مدت یکسال دیگر؛
۳. اعلام افزایش قیمت حامل‌های سوخت از سوی دولت و نارضایتی گسترده مردم از این تصمیمات؛
۴. بی‌توجهی دولت موقت منصور هادی به مطالبات مردم و اتخاذ رویکردهای خشن در اعتراضات تابستان ۲۰۱۴ و کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر در نتیجه خشونت‌های حکومتی؛
۵. فراگیر شدن اعتراضات در شهرهای بزرگ شمال و جنوب یمن؛
۶. خودداری نیروهای امنیتی و ارتش در تیراندازی به سمت مردم و پیوستن این نیروها به مردم (عمادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران یمن، با پیشگیری سیاست خویشتن‌داری، جهت کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از ایجاد میدان رقابت منطقه‌ای در یمن، راهبردهای خود با تمرکز بر اصل احترام به رأی مردم یمن و تقبیح و محکومیت هرگونه مداخله خارجی پایه‌ریزی نمود. در این قسمت به مهم‌ترین راهبردهایی که از آغاز بحران یمن، تهران در پیش گرفته، اشاره می‌گردد.

#### ارائه طرح چهار ماده‌ای پس از حمله عربستان سعودی به یمن

وزیر امور خارجه ایران پس از حمله عربستان به یمن، طرح چهار ماده‌ای را به دبیر کل سازمان ملل تحویل داد. این طرح شامل بندهای زیر می‌باشد:

- (الف) برقراری آتش‌بس و توقف هر چه زودتر حملات نظامی خارجی؛
  - (ب) فرستادن فوری و بدون وقفه کمک‌های انسان دوستانه برای مردم یمن؛
  - (ج) از سرگیری گفت‌وگوی ملی یمنی با هدایت مردم یمن و مشارکت نمایندگان تمام احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی این کشور؛
  - (د) تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن؛ در این طرح تأکید شده است.
- منازعه کنونی یمن، راه‌حل نظامی ندارد و تنها راه برقراری صلح و ثبات، شرایطی است که همه احزاب یمن، بدون مداخله خارجی بتوانند دولت وحدت ملی و فراگیر خود را تشکیل دهند (Charbonneau, 2015).

#### عدم مداخله نظامی تهران در یمن

ایران در ابتدا به چند دلیل علاقه‌ای به وارد شدن در جنگ یمن نداشت. نخست، خطر افزایش گروه‌های تروریستی، چرا که با ورود قدرت‌های منطقه‌ای در جنگ یمن، جبهه دیگری با توجه به مناسب بودن فضای صنعا برای رشد تروریسم، فراهم می‌گردد. دوم ورود نظامی ایران به بحران یمن، به‌مثابه سرپوشی بر اقدامات غیر مسئولانه عربستان سعودی به شمار می‌آید. در خور توجه است که یکی از دلایل اصلی حمله ریاض به یمن مقابله با حضور جمهوری اسلامی ایران در حیط خلوت این کشور بوده است. لذا استنباط نخبگان سیاسی عربستان سعودی مبتنی بر این ایده بود که اقدام نظامی می‌تواند آنها را به اهداف خود برساند. از این رو هرگونه اقدام نظامی از سوی جمهوری اسلامی ایران به هدف ریاض جامه عمل می‌پوشاند

(Almonitor, 2016). سوم، ایران پس از سال‌ها مذاکره موفق به جلب اعتماد جامعه بین‌المللی و رسیدن به توافق بر سر برنامه هسته‌ای خود با قدرت‌های جهانی شده است. بنابراین در این مقطع، تمرکز جمهوری اسلامی ایران بر اجرای کامل برجام، افزایش توان اقتصادی و مطرح کردن خود به‌عنوان الگوی موفق در منطقه است. تا دولت‌هایی نظیر صنعا با مشاهده پیشرفت‌های همه‌جانبه ایران، از مدل سیاستمداری و مدیریت آن الگوبرداری کنند. طبیعی است زمانی که دولتی قادر به بهره‌برداری از قابلیت‌های معنوی و فرهنگی خود است، تمایلی به استفاده از ابزارهای نظامی نخواهد داشت.

### حمایت از گروه حوثی

با گذشت زمان و نظر به کشتار بی‌وقفه مردم یمن به‌عنوان فقیرترین کشور عربی از سوی عربستان، ایران بر اساس سیاست‌های اصولی و انسان‌دوستانه خود، حمایت از مردم این کشور و اعتراض به رفتارهای ضد بشردوستانه عربستان را در پیش گرفت. در همین رابطه ایران با توجه به گرایش گروه حوثی به آرمان‌های انقلاب جمهوری اسلامی و وجود پیوندهای فرهنگی - مذهبی طی دوره‌های تاریخی با شیعیان زیدی یمن که برای نزدیک به هزار سال بر این کشور حکومت می‌کردند، هم‌چنین به دلیل نادیده گرفته شدن این گروه از سوی حکومت مرکزی یمن، همواره به حمایت معنوی از گروه حوثی پرداخته است. در جریان اعتراض‌های مردمی در کشور یمن، تهران به حمایت خود از گروه یاد شده تداوم بخشید. تهران با قدرت‌گیری حوثی‌ها، با انعقاد قراردادهای اقتصادی سعی در گسترش روابط با کشور یمن داشت. این قرارداد شامل: گسترش بندر حدیده و ساخت نیروگاه‌های گاز و برق در یمن بود، که در سال ۱۳۹۳ به امضاء رسید (milani, 2015).

### ارتباط تهران با بازیگران و احزاب یمن

جمهوری اسلامی ایران، برقراری رابطه با طیف گسترده‌ای از احزاب یمن را در دستور کار خود قرار داده و طی نشست‌هایی که با این احزاب دارد، بر موضوعاتی چون: حفظ وحدت و توجه به ملی‌گرایی تأکید می‌کند. پس از حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران، احزاب یمن، شامل: احزاب لیبرال، سوسیالیست و احزاب جنوب، در کنار سایر گروه‌ها برای محکومیت این حمله از سوی ریاض، در سفارت جمهوری اسلامی ایران حضور یافتند.

در این دیدار کاردار جمهوری اسلامی ایران از نمایندگان احزاب مختلف یمن به دلیل دنبال کردن سیاست‌های همبستگی حول دو موضوع انقلاب مردمی و ضدیت با جنگ و تجاوز عربستان سعودی و گروه‌های تکفیری تقدیر کرد (شبکه العالم، ۱۳۹۴). در واقع این سیاست جهت تحکیم همبستگی گروه‌های مختلف یمن برای تسریع روند توافق بر سر حکومت ملی دنبال می‌شود.

### جلوگیری از پیوستن کشورهای منطقه به ائتلاف عربستان سعودی در حمله به یمن

از دیگر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، در قبال بحران یمن، می‌توان به راهبرد جلوگیری از پیوستن کشورهای چون پاکستان، ترکیه و عمان در ائتلاف حمله به یمن اشاره داشت.

#### اعلام بی‌طرفی اسلام آباد در حمله یمن

در واقع مصوبه بی‌طرفی در جنگ یمن که از سوی پارلمان پاکستان صادر شده است را باید در پرتو تلاش‌های دیپلماتیک تهران و قدرت‌یابی ایران در عرصه معادلات منطقه‌ای عنوان کرد. یکی از مهم‌ترین دلایل پاکستان برای عدم همراهی با ائتلاف سعودی جهت مداخله در یمن، تلاش برای حفظ روابط حسن همجواری با ایران بوده است. کشور ایران دارای ذخایر هیدروکربنی گسترده است و مرز مشترک زیادی با پاکستان دارد، بنابراین نیازمندی پاکستان به مقوله انرژی صادراتی ایران، در سیاست بی‌طرفی اسلام آباد در قبال یمن نقش آفرین بوده است (Ritzinger, 2015).

#### عدم همراهی عمان با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حمله به یمن

از طرفی سیاست خویش‌داری جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ یمن، عمان را به‌عنوان یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس به عدم همراهی با اعضای شورای یاد شده در جنگ یمن ترقیب کرد. می‌توان گفت، حفظ بی‌طرفی که یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی سلطان قابوس (پادشاه عمان)، است. در بستر فضای منطقه که ناشی از در پیش گرفتن سیاست غیرمداخله‌جویانه از سوی تهران بود، امکان اجرائی شدن یافت. از این‌رو حکومت عمان به ایفای نقش میانجی در بحران یمن پرداخت و زمینه برگزاری مذاکرات برای برقراری آتش‌بس در یمن را فراهم نمود (Almonitor, 2015).

#### همراهی نکردن آنکارا با سیاست‌های نظامی آل سعود در یمن

هم‌چنین مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست تهاجمی عربستان سعودی در یمن، مانع از همراهی ترکیه با ریاض شد. با شروع حمله ریاض، رسانه‌های آنکارا اعلام کردند، این کشور با پیوستن به ائتلاف حمله در قبال یمن، از ایجاد هر گونه تنش در مناسبات خود با تهران جلوگیری می‌کند. در آنکارا این نگرش وجود دارد، که در پیش گرفتن سیاست‌های تهاجمی در یمن، می‌تواند رویکرد اقتصادی تهران را در قبال کشور یاد شده تغییر دهد. نگرانی ترکیه، از آن‌جا ناشی می‌شود که تهران، جزو مهم‌ترین صادرکنندگان انرژی به این کشور است. هم‌چنین اقتصاددان‌های ترکیه بر این باورند که با کنار رفتن تحریم‌ها، زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری این کشور در جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شود. عوامل یاد شده، آنکارا را، از اعمال سیاست تهاجمی در یمن و در پیش گرفتن سیاست همسو با عربستان سعودی بازداشت (Crisis Analysis, 2015).

تجاوز عربستان سعودی به موجودیت کشوری دیگر که از سویی برخلاف حقوق بین‌الملل است و در سایه سکوت مجامع سیاسی - حقوقی دنیا صورت پذیرفته است و عملاً سازمان ملل متحد نیز به دلیل مسئولی بودن روند یک‌جانبه - هژمونیک‌گرایانه آمریکا، قادر به اقدام عملی جهت متوقف ساختن جنگ



نبوده است، از سوی دیگر سناریویی در راستای خارج شدن ریاض از انزوای ناشی از شکست‌های مکرر در بحران‌های سوریه و عراق بوده است و از سوی این کشور گروه‌های مردمی انصارالله را به‌عنوان تهدیدی به مراتب خطرناک‌تر از حزب‌الله لبنان برای رژیم اسرائیل می‌پندارد و مسئله‌ای که هراس این کشور را دو چندان می‌کند کمک‌های مستشاری ایران به حوثی‌ها است. از سوی دیگر ایران تجاوز به ملت فقیر عربی یمن و ادامه حملات را تلاشی در جهت ایجاد بحرانی ساختگی و فتنه‌ی جدیدی در منطقه غرب آسیا قلمداد می‌کند که حاکمان سعودی به نیابت از کشورهای غربی آن را اجرایی کرده‌اند. از همین روی نظر به گرایش علی عبدالله صالح به سمت عربستان سعودی و ایفای نقش کنشگری از جانب آنها بلافاصله ایران بر شدت حمایت‌های خود از حوثی‌ها افزود که این مهم با شکست و کشته شدن علی عبدالله صالح پایان یافت. منتها عربستان سعودی کماکان و به‌صورت شدیدتری حملات به یمن را در پیش گرفته است.

### کدهای ژئوپلیتیکی و آینده انقلاب اسلامی ایران

تغییر نظام سیاسی کشورها غالباً منجر به تغییر منابع هویتی و به دنبال آن تغییر الگوی رفتار داخلی و خارجی آنها می‌گردد. انقلاب ۱۹۷۹ نظام جمهوری اسلامی ایران را جایگزین نظام پهلوی ساخت که جهان‌بینی و سیاست خارجی آن مبتنی بر همراهی و دنباله‌روی از غرب بود. پیروی از ارزش‌های والای اسلام، ضدیت با استکبار جهانی و مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای آنها و در پیش گرفتن رویه تجدید نظرطلبانه در مسائل منطقه و امور جهانی به الگوی مطلوب ایران تبدیل گردید. کنشگران جهانی با قلمداد کردن چنین رفتاری به‌عنوان یک تهدید جدی علیه منافع خود با یک دستور کار ویژه سعی در مقابله با آن داشته‌اند. ایران نیز در بینش ژئوپلیتیکی خود و در عین توجه به دشمنان و دوستان و برسازی رویکرد «ما» و «دیگری»، ژئوپلیتیکی شیعه و محور مقاومت را در برابر محور غربی، عبری و غربی مطرح ساخته است.

براین اساس، زیربنای منطق رفتاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خصوص مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و مقابله با سیاست‌های این کشور در منطقه را می‌توان در ظهور نوع جدیدی از سیستم حکومت‌داری اسلامی پیگیری کرد. در خصوص کشورهای منطقه‌ای باید بیان داشت که انقلاب اسلامی به مانند زلزله‌ای سهمگین لرزه بر پیکره سیستم اقتدارگرای آنها انداخت که دلیل آن نیز در ساختار مشابه حکمرانی آنها با رژیم پهلوی نهفته است به همین دلیل انقلاب ایران از دو جهت آنها را نگران ساخت، یکی اینکه این مسئله گمانه شکل‌گیری حرکت‌هایی شبیه آنچه که در ایران اتفاق افتاد را قوی ساخت که به راه انداخته شدن حرکت‌هایی در عربستان و عراق صدق این مدعا را با واقعیت همراه ساخت و از سوی دیگر آن چیزی که شاید در بلندمدت آنها را نگران ساخته بود، به‌وجود آمدن برخی گروه‌های اسلامی همانند حزب‌الله لبنان جهت احقاق حقوق تضییع شده ملت خود بود. طبیعتاً کشورهای که بر پایه اقتدارگرایی اداره شده و هم‌پیمان غرب به‌شمار می‌روند، حزب‌الله لبنان به‌عنوان نیروهایی که اهداف انسانی و اسلامی خود را پیگیری می‌کنند و از سوی رهرو رهبران انقلاب ایران هستند را برنتابیده‌اند و به‌صورت مستمر، بعد از انقلاب درصدد به چالش کشیدن آن می‌باشند.

از سوی دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای همانند ایالات متحده آمریکا به جهت اینکه رژیم شاه اهرم پیاده سازی اهداف آنها در منطقه به‌شمار می‌رفت و بسیاری از مطامع خود را بدون حضور و هزینه در منطقه از رهگذر هم پیمان خود تأمین می‌کردند از دست دادن این پایگاه استراتژیک را خسران بزرگی در منافع منطقه‌ای خود قلمداد می‌کند و از جانب دیگر وجود رژیم صهیونیستی در کرانه‌های دریای مدیترانه که از یک سو هم‌پیمان آمریکا بوده و پیوند تنگاتنگی با همدیگر دارند و از سوی دیگر توسط دولت اسلامی جدید ایران تهدید شده است را به‌مثابه خطری مهم قلمداد کرده که حتی بر روی منافع اقتصادی این کشور در منطقه خاورمیانه و به‌دست آوردن انرژی ارزان از آن تأثیرگذار می‌باشد.

از همین روی در زمانی که به کدهای ژئوپلیتیکی ایران نظر می‌افکنیم، دولت‌های عربی منطقه به همراه قدرت‌های فرامنطقه‌ای که در غایت امر علاقه هویتی - ایدئولوژیکی به هیچ یک از کشورهای عربی نیز ندارند و صرفاً منفعت اقتصادی حاصله از آن را نگاه می‌کنند، حول محور تهدید مشترک - به‌زعم آنها - و منفعت مشترک یعنی اختلال در اعماق نفوذ ایران متحد شده‌اند. از همین روی این مسئله را نباید از نظر دور داشت که در صورت موفقیت این دولت‌ها در جهت بر هم زدن موازنه قدرت در کدهای ژئوپلیتیکی ایران در عراق، یمن، سوریه و بحرین، آینده انقلاب اسلامی را نیز با خطرات غیرقابل کتمان مواجه خواهند ساخت، به همین اعتبار تداوم یافتن انقلاب اسلامی ایران و پژواک ارزش‌های آن منحصر در عرصه داخلی نیست و در شرایط کنونی همانند دهه‌های ابتدایی عمر انقلاب و دولت اسلامی ایران، خطرات خارجی از پتانسیل قابل ملاحظه‌ای جهت به چالش کشیدن انقلاب برخوردار هستند.

البته این مهم زمانی با واقعیت همراه می‌شود که به این چالش‌ها توجه نداشت والا به‌صورت طبیعی جمهوری اسلامی ایران در کدهای ژئوپلیتیکی نامبرده از قدرت چانه‌زنی و نقش آفرینی زیادی برخوردار است و طبیعتاً این قدرت هم نهادینه شده است و صرفاً در سطح حکومت‌ها خلاصه نمی‌شود و مردم حاضر در کشورهای بحرین، عراق، سوریه و یمن به جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری می‌نگرند که حفظ کرامت انسانی و حق زیست آنها را برعکس رژیم‌های عربستان و اسرائیل، بر هر منفعتی اولویت می‌دهد و همواره حتی به بهای صرف هزینه‌های گزاف از این اصل دفاع نموده است. از همین روی کدهای ژئوپلیتیکی ایران در خط سیر حرکت انقلاب اسلامی ایران هستند که حفظ قدرت چانه‌زنی ایران در آنها مساوی با پژواک انقلاب اسلامی در افق پیش‌رو خواهد بود و از سوی دیگر اختلال در آن نیز روی دیگر مسئله بوده که حتی می‌تواند به معضله‌ای برای آینده انقلاب مبدل شود که طبیعت آن نیز مشخص است و در صورت دست‌اندازی دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انقلاب بر این کدها، از آنها استفاده ابزاری کرده و بر علیه جمهوری اسلامی ایران وارد عمل خواهند شد.

لذا کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا جهت ایجاد اختلال در اهداف و کارویژه‌های داخلی و منطقه‌ای ایران سناریوهای ویژه‌ای مطرح ساخته‌اند. فارغ از مسائل داخلی و مداخله‌های غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها، باید بیان داشت که در بطن سناریوهای محور سه‌گانه غربی (به رهبری آمریکا)، عربی (با محوریت عربستان) و عبری (با هدایت رژیم اسرائیل)، سناریوی به راه انداختن سلسله درگیری‌هایی در به

اصطلاح حیاط خلوت‌های ایران با هدف ناآرام سازی کشورهای هم‌پیمان و متحدان منطقه‌ای یا همسایگان بلافاصله، جایگاه ویژه‌ای دارد.

لازم به ذکر است که از میان چهار کد ژئوپلیتیک عراق، سوریه، یمن و بحرین، به نظر می‌رسد دو کد عراق و سوریه هم به لحاظ ایدئولوژیکی و هم به لحاظ ژئوپلیتیک تأثیرات به مراتب بیشتری در قیاس با تحولات بحرین و یمن بر روی سیاست خارجی ایران بر جای بگذارند؛ چرا که این دو با ماهیت وجودی و امنیتی ایران در ارتباط وثیقی هستند. از این حیث به همان نسبت که عربستان و متحدان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای‌اش سعی در اخلال در دو کد عراق و سوریه به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های استراتژیکی ایران در منطقه دارند، ایران نیز سعی در مستحکم ساختن پایگاه ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیک خود در دو کد بحرین و یمن دارد.

از این رو ایران در مقابل راهبردها و سناریوهای ضد ایرانی طراحی شده و در حال اجرا در کدهای ژئوپلیتیک خود، مجموعه‌ای از ضد راهبردها را در پیش گرفته است؛ چرا که در صورت عدم اهتمام نسبت به اقدامات براندازانه محور سه گانه عبری، عربی و غربی در کدهای چهارگانه نامبرده، در آینده خود را در مقابل عدم قطعیت‌های بحران‌زا و چالش‌آفرینی خواهد دید که پیامد اصلی آن نه تنها آسیب به منافع ایران در منطقه، بلکه اخلال در انقلاب اسلامی و آرمان‌هایی همچون مسئله قدس و تضرر اسلام و مسلمانان و همچنین محاصره مرزی کامل و در غایت امر منجر به آسیب به سرزمین «ام‌القری اسلامی» یعنی ایران خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

کدهای ژئوپلیتیک به قدرت و توانایی هر کشوری به‌عنوان قدرت جهانی، منطقه‌ای و یا حتی یک دولت کوچک اشاره دارند. باید اذعان نمود که در تحولات ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه مخصوصاً در کشورهای سوریه، عراق، بحرین و یمن کد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و به‌عبارتی دست‌ورعمل سیاست خارجی این کشور در سطح منطقه‌ای انتخاب شده است و طبق آن به شناسایی دوستان و دشمنان، تهدیدها و فرصت‌ها اقدام نموده و در جهت منافع ملی و علائق خویش گام برداشته است و در حقیقت ایران براساس همین کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای به تنظیم سیاست خارجی خود در تعامل یا رقابت با دیگر کشورهای منطقه پرداخته است، از طرفی براساس همین کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای است که ایران به ارائه جهت‌گیری و پاسخ برنامه‌ریزی شده برای مقابله با دشمنان و تهدیدهای شناسایی شده و توجیه این پاسخ‌ها و برنامه‌ها پرداخته است. منطق زیربنایی این راهبردهای و اقدامات ایران نیز در دفاع از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نهفته است که در کنار اصولب انسانی و کرامت بشری که برای دفاع از مستضعفان و ملل دربند و جمعیت‌های در معرض تهدید قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تعریف نموده است، دور نگه‌داشتن دشمنان انقلاب اسلامی در ورای مرزهای ایران نیز مهم به نظر می‌رسد؛ چرا که در صورت از دست دادن کدهای ژئوپلیتیک خود در این کشورها در روند انقلاب اخلال ایجاد می‌شود و طبیعتاً دشمنان انقلاب و ایران از

این پایگاه‌ها بر علیه این کشور وارد عمل خواهند شد. در یافته‌های تحقیق به واکاوی رقابت‌های ایران و رقبای منطقه‌ای ایران مخصوصاً عربستان و هم‌پیمانانش در سوریه، بحرین، عراق و یمن پرداخته شد که رویکردهای جمهوری اسلامی تأییدگر انتخاب کد ژئوپلیتیک و منطقه‌ای برای تأمین منافع ملی خود است. در کشور سوریه مسائلی نظیر موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک، تأکید بر ایدئولوژی و هویت، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه از سوی عربستان و تلاش ایران برای حفظ محور مقاومت در فعال شدن رقابت‌های طرفین نقش داشته است. محور دوم رقابت‌های ایران و رقبای منطقه‌ای اش در بحرین بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، مؤلفه‌هایی نظیر پیوند قومی عربستان با رژیم آل خلیفه از یک‌سو و پیوند مذهبی ایران با شیعیان بحرین از سوی دیگر، عضویت بحرین در شورای همکاری خلیج فارس و نگاه امنیتی عربستان به این مسئله و نهایتاً کسب حوزه نفوذ ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی از سوی ایران در ایجاد این رقابت‌ها نقش داشته‌اند. محور سوم رقابت‌های ایران و بازیگران رقیب منطقه‌ای، در عراق صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این است که بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، زمینه برای نفوذ ایران در عراق فراهم گردید و بعد از انتخابات سال ۲۰۰۶ و به قدرت رسیدن نوری المالکی به نخست‌وزیری عراق، فعالیت‌های ایران افزایش یافت. بر این اساس، عربستان نیز در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا فعالیت‌های ایران در عراق را کاهش دهد؛ چرا که تقویت گروه‌های افراطی در عراق برای عربستان سعودی اهمیت فراوانی دارد. علاوه بر این، مسئله تروریسم در عراق، فعالیت‌های داعش و تلاش طرفین برای نزدیکی به هیئت حاکم عراق در تشدید رقابت‌های آنها نقش داشته است. محور چهارم رقابت‌های ایران و عربستان در یمن شکل گرفته است. بحران پیچیده یمن ریشه در سیاست، قومیت و قبیله‌گرایی در این کشور دارد، بحرانی که پتانسیل تزیق تنش بیشتر به روابط دو کشور تولیدکننده بزرگ نفت در خاورمیانه، یعنی ایران و عربستان را دارد. بحران یمن دو رقیب منطقه یعنی ایران و عربستان را بیش از پیش رو در روی یکدیگر قرار داده است. نکته دیگر این است شروع جنگ داخلی یمن، صادرات امن نفت از طریق تنگه باب المندب را تهدید کرده است. بر طبق آمار، در سال ۲۰۱۳ میلادی روزانه بیش از ۳.۴ میلیون بشکه نفت از طریق این آبراه و تنگه استراتژیک عبور کرده و صادر شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق یکی دیگر از محورهای رقابت طرفین به کاهش قیمت نفت مربوط بوده که عربستان از این طریق به دنبال فشار بر اقتصاد ایران بوده است. در مجموع این نتیجه حاصل می‌گردد که انتخاب کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای از سوی جمهوری اسلامی، رقابت در حوزه مسائل هویتی، امنیتی و تأمین منافع ملی در منطقه خاورمیانه را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است و این کدها آوردگاه‌هایی هستند که تأثیرات درخور توجهی در آینده انقلاب اسلامی از خود بر جای خواهند نهاد و در نتیجه پردازش راهبردهای منطقی و سناریوهای مناسب بر طبق تعیین اهداف و ارزش‌ها، تبیین شرایط، تحلیل و توصیف روندها و عدم قطعیت‌ها، بر شمردن آینده‌ای ممکن و محتمل و در نظر داشتن آینده مطلوب جهت شفافیت وضعیت‌های آینده در راستای انجام اقدامات هوشمندانه به منظور محقق شدن آینده مرجع و مدیریت و بهتر شرایط در خصوص این کدها لازم و ضروری است. بر این اساس علی‌رغم قدرت چانه‌زنی بالا و ایفای نقش جمهوری اسلامی در کدهای ژئوپولیتیکی خود در عراق، سوریه،

بحرین و یمن، در صورتی که دولت‌های حامی تروریسم و رقیب در منطقه بتوانند در جهت تغییر موازنه قدرت در کدهای مذکور گام بردارند، آینده انقلاب اسلامی با تهدید جدی روبرو خواهد گردید.

## References

- Almonitor (2015), "Oman Break From Gcc On Yemen Conflict", Almonitor ,available at: [Http://Www.Al-Monitor.Com/Pulse/Originals/2015/05/Oman-Response-Yemen Conflict.Html](http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/05/oman-response-yemen-conflict.html)
- AlMonitor. (2016), "Six Reasons Why Iran Won't Join The War In Yemen", AlMonitor, Available At: [Http://Www.Al-Monitor.Com/Pulse/Originals/2016/03/Iran Saudi-Yemen-WarMilitary-Involvement.Html#](http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/03/iran-saudi-yemen-war-military-involvement.html#), Access Date: 20/4/2016.
- Asadi, ali akbar & Zare, mohammad. (2011), "The bahraini crisis: regional conflicts and approaches", rahnaameh policy making, volume 1, number 2: 179-198.
- Charbonneau, louis. (2015), "Iran submits four-point yemen peace plan to united nations", Reuters, available at: [www.reuters.com/article/us-yemen-security-iran](http://www.reuters.com/article/us-yemen-security-iran).
- Dijkink, Gertjan. (1998), "Geopolitical Codes And Popular Representations", Geojournal, no 46: 293-299.
- Ebrahimi, nabi. (2010), "Arab states' relation with new Iraq", Strategic studies quarterly, volume 13, issue 47: 123-150.
- Emadi, Seyyed Razi. (2015), "The Yemen Crisis and the Causes of Saudi Arabia's Attack", Army Monthly.
- Gaddis, J.L. (1982), *Strategies of Containment: A Critical Appraisal of Postwar American National Security Policy*. New York: Oxford University Press.
- Gelbart, Jonathan. (2010), *The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation*, Stanford Journal of International Relation.
- Glenn, Jerome. (2003), "Introduction to Future Research Methodology Series", Futurevenezuela Journal, Alailable at: [www.Futurevenezuela.Org](http://www.futurevenezuela.org)
- Hashemi nasab, sayed saeed. (2010), "the bahraini crisis", regional studies, no. 5.
- <https://www.slideshare.net/aliasgharabbasi/backcasting-method>, 2016.
- Jahankhah, adal and Didevara, zolfaghar. (2014), "The themes of islamic awakening (with bahrain as the case study)", the journal of defense policy, vol. 22, serial no. 86: 67-105.
- Kasraie, Mohammad Salar and Davari Moghaddam, Saeedeh. (2017), "The rise of ISIS in the Middle East: a sociological analysis", Journal of Foreign Relations, Volume 7, Issue 1: 2-6
- Katzman, Kenneth. (2013), *Iraq: Politics, Governance and Human Rights*, Congressional Research Service Report For Congress.
- Khalaji, Mehdi. (2015), "yemens zaidis: a window for iranian influence", The washingtoninstitute, available at: [www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/yemens-zaidis-a-window-for-iranian-influence](http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/yemens-zaidis-a-window-for-iranian-influence)
- Kissinger, Henry. (1979), *The White House Years*, London: Weidenfeld And Nicolson.

- Kolossov, V. (2003), "High And Low Geopolitics: Images of Foreign Countries in Eyes of Russia Citizens", *Geopolitics*, Volume 8, Issue 1: 121-148.
- Malekifar, Aqeel. (2014), *futures studies: The Powerful Knowledge of Creating the Future, Foresight: Fundamentals and Approaches*, Dawn, Tehran: Aradin Publishing.
- Milani, Mohen. (2015), "Irans Game In Yemen : Why Tehran Isn't To Blame For The Civil War", *Foreign Affairs*.
- Niakoui, Seyyed Amir and Bahmanesh, Hussein. (2012), "Conflicting Actors in the Syrian Crisis, Goals and Approaches", *Foreign Relations Quarterly*, Volume 4, Number 4 (16): 97-135.
- Niko, Hamid. (2012), "The Nature of the Bahraini Shiite Political Movement", *15 khordad quarely*, Volume 3, 9 Year.
- Pan, esther. (2006), "Syria, Iran and the mideast conflict", *foreign relation*, available at: <http://www.cfr.org>.
- Pascal, venier. (2004), "The diplomatic context: britain and international relations around", available at: <http://pascal.venier.free.fr/venier>
- Ritzinger, louis. (2015), "Why pakistan is staying out of yemen", *The national interet*, available at: <http://nationalinterest.org/feature/why-pakistan-staying-outyemen-12730>
- Romina, ibrahim and others (1392), "Explained the strategy of the persian gulf cooperation council in bahrain and syria developments with an emphasis on realism in securing regional pattern", *allameh tabatabaei university*, 1 conference theories of international relations and politics foreign.
- Sadegh, seyed shamseddin and Lotfi, kamran. (2015), "Syria's crisis and analyze of the islamic republic of Iran's positions against syria crisis", *jostarha-ye siyasi-ye moaser*, volume 6, issue 15: 123-144.
- Sadegh, seyed shamseddin and others (2016), "Syria's crisis and regional powers of geopolitical conflict", *a quarely journal of political studies of islamic world*, volume 4, issue 4: 107-128.
- Saeedi, Ibrahim. (1996), *The syrian green book*, tehran, ministry of foreign affairs.
- Sardar, Hamid and Mousavi, Mirhadi. (2015), "Yemen's Position in the Foreign Policy of Saudi Arabia", *Foreign Policy Quarterly*, Volume 29, Issue 1 - Consecutive Issue 113: 75-96.
- Sower, abraham. (1382), "predicted in political science compare the exact sciences and the humanitie", *speech samt*, number 9.
- Taylor, Peter and Colin, Flint. (2000), *Political Geography: World-economy, Nation-state and Locality* 6th Edition, Fourth Editioned, London: Routledge press
- Vaezi, Mahmood. (2008), "The Approaches of Iraqi Internal Groups to Iran and the US", *Deputy Foreign Policy Research*, no. 12.